

## فرهنگی



**گفت‌وگوی «جوان» با مدیر سابق موزه هنرهای معاصر**

# بخشی از موزه‌داری ما به جای ساختار فنی ساختار اداری دارد!

شد. این رقم با توجه به گذشت زمان و بالا رفتن قیمت آثار امروز چیزی حدود همان ۳میلیارد دلار باید شده باشد.

**درباره آثار خارجی موزه هنرهای معاصر و اینکه این آثار بعضاً بسیار گران قیمت هستند حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد، پس شما این ارقام افسانه‌ای را رد می‌کنید؟**

همیشه نگاه فانتزی و غیرواقعی به بخش آثار خارجی گنجهینه هنرهای معاصر وجود داشته است و تصور می‌شود همه آثاری که پیش از انقلاب برای این موزه خریداری شده، جزو آثار پوینک جهانی است، در حالی که صرفاً پنج اثر خارجی یونیک داریم که در صورت خروج از موزه با گنجهینه‌ای درجه ۲ روبه‌رو خواهیم بود و چنانچه حدود ۲۰۳ اثر را کنار بگذاریم، شاید به گنجهینه‌ای درجه ۲، تنزل پیدا کند.

**این پنج اثر ویژه موزه هنرهای معاصر کدام‌ها هستند؟**

اثر «فناشی دیواری روی زمینه قرمز هندی» کار جکسون پولاک، «طبیعت بی‌جان و باسمه ژاپنی» پل گوگن، «هوفیگور خوبلید» در حضور ملازمان» اثر فرانسسیس بیکن، تابلوی «خودکشی» آندی وار هول و تابلوی «براناتا» از روی لیختن اشتاین.

**پس شما ارقام نجومی ذکر شده را رد می‌کنید و عدد کارشناسی ارزش آثار خارجی موزه را چیزی حدود ۳میلیارد دلار می‌دانید؟**

ما در دوره‌ای هستیم که اظهار نظر خیلی راحت شده است، هر کس می‌تواند ادعایی را در فضای مجازی منتشر کند و این منحصربه‌موضوع خاصی نیست، در مسائل سیاسی و اجتماعی هم شاهد این موضوع هستیم، در حالی که باید در موضوعات کارشناسی با وسواس صحبت شود.

**حتی اگر رقم ارزش فعلی آثار را ۴میلیارد دلار بدانیم، با یک عدد بسیار بزرگ، روبه‌رو می‌شویم. در کنار آن باید به این نکته هم توجه کنیم که آثار موزه هنرهای معاصر یا حتی دیگر موزه‌های مطرح ایران، در دست است که در مالکیت ایران قرار دارند، اما جزو میراث جهانی هستند! چرا پس آنها را بیمه نمی‌کنند؟!**

مبلغ بیمه چنین آثاری بسیار بالا خواهد بود که در اعتبار وزارت ارشاد پیش‌بینی نشده است. بیمه نبودن آثار مربوط به این دولت یا دولت قبل هم نمی‌شود، از ابتدا چنین بیمه‌ای برای آثار موزه‌ای تعریف نشده است. هم اکنون آثار موزه‌های دیگری از جمله موزه ایران باستان هم به‌نظم بیمه‌نیستند.

**یعنی در همه این سال‌ها هیچ کس به این نتیجه نرسیده است که باید برای چنین آثاری یک بیمه در نظر گرفت؟**

حق بیمه‌ای که باید برای ارزش آثار ۳میلیارد دلاری آثار خارجی موزه تعریف

**در روزهای اخیر، بخش تصاویری از وجود حشرات روی یکی از آثار موزه هنرهای معاصر تهران واکنش‌های زیادی راه همراه داشته است. موزه هنرهای معاصر با صدور بیانیه‌ای درباره حشرات مودی توضیحاتی داده، ولی این توضیحات چیزی از نگرانی‌ها کم نکرد، به خصوص اینکه یکی از رسانه‌ها بحث ارزش ۲۰میلیارد دلاری آثار موزه هنرهای معاصر و بیمه نبودن آنها را مطرح کرد. «جوان» در گفت‌وگو با احسان آقایی، مدیر پیشین موزه هنرهای معاصر تهران، مسئله نگهداری آثار این موزه و وجود حشرات در موزه را پیگیری کرده است.**

محمدصادق عابدی

زایدی راه همراه داشته است. موزه هنرهای معاصر با صدور بیانیه‌ای درباره حشرات مودی توضیحاتی داده، ولی این توضیحات چیزی از نگرانی‌ها کم نکرد، به خصوص اینکه یکی از رسانه‌ها بحث ارزش ۲۰میلیارد دلاری آثار موزه هنرهای معاصر و بیمه نبودن آنها را مطرح کرد. «جوان» در گفت‌وگو با احسان آقایی، مدیر پیشین موزه هنرهای معاصر تهران، مسئله نگهداری آثار این موزه و وجود حشرات در موزه را پیگیری کرده است.

**ادعایی شده دربارۀ ارزش ۲۰میلیارد دلاری آثار موزه هنرهای معاصر، این رقم در دست است؟**

در موضوع قیمت آثار موزه هنرهای معاصر رقم ۲۰میلیارد دلاری که برخی‌ها اظهار داشته‌اند دقیق و واقعی نیست. در بخش آثار خارجی رقم ارزش آثار خارجی چیزی حدود ۳میلیارد دلار است، یعنی چنانچه آثار در حراجی‌های خارجی ارائه شود، در همین حدود ۳میلیارد دلار خواهد بود. قاعدتاً آثار ایرانی نیز نسبت به آثار خارجی از قیمت و ارزش پایین‌تری برخوردارند.

**گران‌ترین آثار ایرانی موجود در موزه هنرهای معاصر چه قیمتی دارند؟**

گران‌قیمت‌ترین آثار بخش ایرانی موزه هنرهای معاصر احتمالاً تابلوهایی از منیر فرمانفرماتیان، سهراب سپهری و حسین زنده‌ودی هستند که هر یک از تابلوهایی مورد نظر شاید بیش از ۱۰۰میلیارد تومان ارزش داشته باشند.

**ارزش‌گذاری آثار موجود در موزه بر چه مبنایی انجام می‌شود؟**

قیمت‌گذاری و ارزشیابی آثار آثار عجیبی نیست، مبنای ارزش‌گذاری آثار خارجی، قیمت‌های جهانی و میزان فروش آثار هم‌رده در حراج‌های خارجی است. برای نمونه، وقتی می‌خواهند کاری از «مارک روتکو» را قیمت‌گذاری کنند، نگاه می‌کنند که آثار مشابه‌وی در بازار به چه قیمتی فروخته شده است. بر مبنای قیمت‌های خارجی، الگوریتمی برای قیمت‌گذاری به دست می‌آید.

**اشاره کردید که آثار خارجی موزه هنرهای معاصر حدود ۳میلیارد دلار ارزش دارند، این رقم بر مبنای همین روش به دست آمده است؟**

حدود ۱/۵سال پیش، کارشناسی قیمت آثار خارجی در موزه هنرهای معاصر انجام شد که مجموع آثار حدود ۲/۵ تا ۳میلیارد دلار ارزش‌گذاری



موزه یک پدیده غربی است و از غرب وارد ایران شده است. موزه‌داری هم یک پدیده غربی و سازوکارش وارداتی است. وقتی ما از تخصصی به نام «موزه‌دار» صحبت می‌کنیم، یا پد بیبینیم که در غرب چه شرح وظایفی برای آن تعریف شده است

**موزه هنرهای معاصر تهران، زیرمجموعه وزارت ارشاد است، این وزارت‌تخانه موزه‌های زیادی در اختیار ندارد که از مدیریت آنها ناتوان باشد!**

وزارت ارشاد ذاتاً موزه‌دار نیست. بر خلاف وزارت میراث فرهنگی که دارای صدها موزه است و برای مدیریت موزه‌ها دارای اداره مجزا است. ارشاد هم اکنون متولی هنرستان‌های هنرهای زیبا در سراسر کشور است، چون این وزارت‌تخانه کار کرد آموزش و پرورش ندارد، نگهداری هنرستان‌ها را مانند نگهداری یک اداره می‌بیند. در حالی که وقتی یک نفر در وزارت آموزش و پرورش به مدیریت می‌رسد، سوابق کاری او تا مدیریت مدرسه هم خواهد رسید و بنیان کار آموزشی را می‌داند، اما وزارت ارشاد نه مدیریت مدرسه را می‌داند و نه مدیریت موزه را، برای همین در هر دو وضعیت بدی دارد!از حدود ۲۵پست اداری برای موزه هنرهای معاصر فقط ۹پست را نگه داشته و مابقی را حذف کرده‌اند. هم اکنون در موزه پست مسئول مرمت داریم، مسئول امور نمایشگاهی نداریم، نمایشگاه گردان و کارشناس تخصصی آثار نداریم!

**شما مدتی مسئولیت موزه هنرهای معاصر را بر عهده داشتید! چرا در همان دوره این مشکلات را رفع نکردید؟**

من در دوران مدیریتم بر موزه هنرهای معاصر بارها در مکاتبات اداری با مقامات بالاتر این موضوع را مطرح کرده‌ام که ساختار موزه با عملکرد آن همخوانی ندارد. مشکل این ساختار اشتباه هم برای امروز و دیروز نیست. من از دوران آقای خاتمی در دولت‌های مختلف فعالیت داشته‌ام و ۲۵سال است با چنین مشکلی روبه‌رو هستم، اما توجهی به آن نشده است. در دولت قبل رقم قابل توجهی بین ۱۶ تا ۱۷میلیارد تومان برای بازسازی و مرمت موزه هنرهای معاصر هزینه شد که از ابتدای انقلاب تا امروز بی‌سابقه بود. اما این هزینه، پژوهش و برنامهمحور نبوده است. فرض کنید شما می‌خواهید منزل شخصی‌تان را بازسازی کنید، تصمیم می‌گیرید نمای ساختمان را آجری کنید، در حالی که شاید نیاز اصلی بنا در جای دیگری باشد. آنچه در موزه هنرهای معاصر هم رخ داده همین طور است، نگاه کرده‌اند کجای ساختمان نم داده آنجا را تعمیر کرده‌اند.

**اگر منظور تان را در دست توجه شده باشیم، ما در کنار بخش ابنیه موزه، بخش آثار را هم باید در فهرست مرمت و نگهداری ببینیم که این اتفاق در مورد آثار موزه هنرهای معاصر رخ نداده است. در دست است؟**

هر اثر هنری از زمان خلق مانند یک انسان در معرض آسیب و فرسایش قرار دارد. کار کارشناسی مرمت برای این است که عمر یک اثر را طولانی‌تر و آن را در مقابل آسیب‌ها محافظت کنند. هر اثری مستثنی بر اینکه روی بوم خلق شده باشد یا روی چوب و کاغذ و غیره، دارای شرایط نگهداری خاصی است، مثلاً فرض کنید یک اثر روی بوم، عمر طبیعی حدود ۲۰۰سال داشته باشد، کارشناسان با اقدامات علمی ممکن است عمر آن را تا ۵۰۰سال افزایش دهند.



این موضوع به فرآیندها بازمی‌گردد. موزه یک پدیده غربی است و از غرب وارد ایران شده است. موزه‌داری هم یک پدیده غربی و سازوکارش وارداتی است. وقتی ما از تخصصی به نام «موزه‌دار» صحبت می‌کنیم، باید ببینیم که در غرب چه شرح وظایفی برای آن تعریف شده است، البته اینکه موزه‌داری از غرب وارد شده است، چیز بدی نیست. نظام آموزش و پرورش ما هم از نظام آموزش و پرورش فرانسه الگو گرفته یا حتی در نوشتن قانون اساسی هم به قانون اساسی دیگر کشورها نگاه شده است.

**اما یک مقایسه ساده با نوع موزه‌داری که در غرب رواج دارد با موزه‌داری ما در ایران، نشان از فاصله عمیقی است بین آنچه آنها موزه می‌نامند و آنچه در ایران رواج دارد! چرا ما اینقدر در حفظ آثار موزه‌ای عقب هستیم؟**

من برای همه افرادی که به عنوان کارشناس موزه فعالیت دارند احترام ویژه‌ای قائم و روی صحبت‌م با آنها نیست، چون می‌دانم که با کمترین امکانات در حال کار هستند. روی صحبت من با سیستم‌های بالادستی است. زمانی که ما موزه را به یک ساختار اداری تبدیل کنیم، موزه دچار اضحلال می‌شود و بخش‌های کارشناسی وجود نخواهد داشت که برای نگهداری موزه برنامهریزی کند. نگاه اداری به موزه باعث می‌شود افرادی با تخصص فعالیت در دبیرخانه یک اداره به عنوان موزه‌دار مشغول کار شوند. مشکل اساسی ما در موزه‌داری این است که ساختار موزه‌دار، را تعریف نکرده‌ایم.



**استانداردهای نگهداری موزه به صورت لحظه‌ای می‌گردد. اینکه حرارت و رطوبت موزه باید در چه حدی باشد، یک نوع استاندارد است که در طول زمان مشخص شده است. مشکل اساسی ما این است که استانداردهای موزه‌داری را به‌روز نکرده‌ایم!**

پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۱ | ۲۷ محرم ۱۴۴۴ |

**به غیر از مسئله حشرات مودی، چه تهدیدات محیطی و فرسایشی آثار موزه‌ای را تهدید می‌کند؟**

عوامل محیطی مهم‌ترین اثر فرسایشی را دارند. یک اثر روی بوم شرایطی دارد که با یک اثر سنگی به‌طور کلی متفاوت است، برای همین مثلاً دما و رطوبت محیط و نور باید ستجیده شود. دما باید بین ۱۸ تا ۲۴ درجه باشد و رطوبت بین ۴۰ تا ۴۵درجه مناسب است و نباید در معرض نور مستقیم قرار گیرد. همچنین اثر نباید در حرکت باشد، یعنی محل استقرار آن دچار حرکت و لرزش نباشد.

**مواردی که اشاره کردید، مسائل خیلی پیچیده‌ای نیستند که نشود آنها را کنترل کرد، پس چرا در عمل شاهد آن هستیم که مسئله نگهداری تا حد وجود حشرات در آثار موزه با یابین می‌آید؟!**

تا زمانی که نگاه کارشناسی در بالادست وجود نداشته باشد، اتفاق خاصی نخواهد افتاد. به‌مشکل کم‌آبی و فرونشست زمین نگاه کنید، شاید حدود ۲۰سال پیش بود که به صورت بی‌رویه مجوز احداث جاهه‌ای عمیق صادر شد. اثر آن اقدام اشتباه امروز خود را در قالب فرونشست زمین نشان می‌دهد. در حوزه موزه‌داری هم همین طور است. اثر کارهای گذشته را امروز می‌بینیم. وقتی بست کارشناس از موزه‌ها حذف شد و موزه‌ها بدون کارشناس اداره شد، این وضعیت پیش می‌آید.

**چند بار به وجود حشرات روی تابلوهای موزه هنرهای معاصر اشاره کردیم، اما بحث بازش، این حشرات چه هستند و از کجا آمده‌اند؟**

اسم این حشره «بید کاغذ» است که امروز در نشریات به آن «سیلور فیش» می‌گویند. در هر کجا که نشاسته و سلولز وجود داشته باشد، این حشره هم امکان وجود دارد. برای همین نه تنها در موزه‌ها بلکه در همه خانه‌ها و حتی نانوائی‌ها می‌توان آن را پیدا کرد، یعنی چیز عجیبی نیست، مثل مورچه که همه جا پیدا می‌شود. بید کاغذ در محیط مناسب تخم‌ریزی می‌کند و حتی ممکن است حدود چهار سال در حالت خواب فرو رود. این حشره در جایی که کاغذ زیاد باشد، فعالیت می‌کند. عمدتاً تم با یک سمپاشی از بین می‌رود. موزه باید هر شش ماه سمپاشی شود، اینکه امروز شاهد بید کاغذ در موزه بوده‌ایم، ممکن است به این دلیل باشد که دوره سمپاشی موزه به تأخیر افتاده باشد.

**وقتی می‌گویید موزه باید هر شش ماه سمپاشی شود، یعنی یک استاندارد حداقلی وجود دارد که در عمل اجرایی نشود، علت پیاده نشدن استاندارددهای موزه‌ای در موزه هنرهای معاصر چیست؟**

استانداردهای نگهداری موزه به صورت لحظه‌ای به وجود نمی‌آیند، بلکه به مرور زمان ارتقا پیدا می‌کنند. اینکه حرارت و رطوبت موزه باید در چه حدی باشد، یک نوع استاندارد است که در طول زمان مشخص شده است. مشکل اساسی ما این است که استانداردهای موزه‌داری را به‌روز نکرده‌ایم.

**از چه زمانی این به‌روزرسانی استانداردهای موزه‌داری انجام نشده است؟**

پیش از انقلاب موزه‌های ما توسط کارشناسان خارجی اداره می‌شد. با پیروزی انقلاب خارجی‌ها رفتند برای آنها کارشناسی جایگزین نشد. هر اثر موزه‌ای از بود ایجاد دارای شناسنامه‌ای مشخص است. این شناسنامه حاوی اطلاعاتی مانند نام اثر، نام خالق اثر، سبک، زمان ایجاد آن و جنس اثر است. این شناسنامه در اختیار کارشناسی است. وی در دوره‌های مشخص اثر را از نظر سلامت بازربینی می‌کند و در شناسنامه آن مواردی مانند ایجاد اثر، تک یا تکثیر رنگ را ثبت می‌کند. در صورت بروز هر گونه آسیب، کارشناس موظف است آن را به مسئول موزه گزارش کند. متأسفانه سال‌هاست در موزه این اتفاق نیفتاده است.

**امروز ما با یدن حشرات روی تابلوی ارزشمند موزه هنرهای معاصر متعجب می‌شویم و دنبال علت می‌گردیم. در حالی که به‌نظر می‌رسد این حشرات با مشکلات دیگر معلول یک دلیل بزرگ‌تری هستند به نام درک نشدن ارزش موزه و موزه‌داری در ایران، اگر بخواهیم در آینده با چنین صحنه‌هایی روبه‌رو نشویم، باید چه اقدامی کنیم؟!**

در مرحله اول باید دولت به این نتیجه برسد که باید استانداردهای نگهداری را برای موزه‌ها ایجاد کند. برای این کار هم باید بودجه خوبی در نظر بگیرد. بعد از آن باید برای هر موزه یک استاندارد تعریف کرد. موزه ایران باستان، موزه ضلعیاسی، موزه ملک، هر کدام از نظر ماهیت و نوع اجناسی که در آنها نگهداری می‌شود، دارای شرایط خاصی هستند. نگهداری یک اثر کاغذی با یک اثر سنگی تفاوت‌های اساسی دارد. مثلاً استانداردسازی نگهداری جواهرات با استانداردسازی نگهدای تابلوی نقاشی متفاوت است، برای همین باید برای هر کدام یک استاندارد تعریف شود. مورد بعدی این است که باید استانداردها را به‌روزرسانی کرد. این طور نباشد که یک بار استاندارد تعریف کنند و بعد بخواهند برای همیشه از آن استفاده کنند. در نهایت باید کارشناس‌هایی تربیت شوند که این استانداردها را پیاده‌سازی کنند. من می‌خواهم ببینم که مدیران وزارت ارشاد و وزارت میراث فرهنگی جلسات مشترک برگزارند و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند.

باید برای تخصص موزه‌داری احترام قائل بشوند، برای آموزش تخصص احترام قائل شوند، هر تصمیمی که امروز گرفته شود، اثرش را در ۲۰سال آینده نشان خواهد داد و تبعات آن زنجیروار و به هم متصل است.



ساختارهای هنری و فرهنگی را تعطیل کنید تا خیال‌مان آسوده شود. ما نیز چون شما به شدت نگرانیم که بکنند! یک تصمیم عجولانه پاسخ نامطلوبی به این مطالبه داده شود و نهاد ناکارآمدی تأسیس شود و از آن بدتر فرد ناکارآمدی عثمان آن را به دست بگیرد. اما امیدواریم و امید، جوهره حرکت است. همه اینها نیمه خالی لیوان است، حتی اگر نیم بیشتر خالی باشد. اگر بنا بود اینگونه مخاطره‌اندیشی کنیم، شماها و بدان ما اصلاً انقلاب نمی‌کردند.» تقویت جایگاه و شأن شعر و شاعری به لحاظ حقوقی دغدغه‌ای است که اغلب شاعران به آن اذعان دارند اما اینکه این جایگاه از چه طریقی می‌تواند احصا شود، محل مباحثه است. مسأله میان دکت پرویز و میلاد عرفانپور می‌تواند درچه‌ای برای ورود به این عرصه باشد تا در آینده‌ای نزدیک شاهد تقویت ساختارهای فرهنگی به‌سود شعر و شاعری باشیم.

فرمودند: اگر ما ما مخیر کنند که فقط از یک هنر حمایت کنیم و صرفاً در آن سرمایه‌گذاری کنیم، آن هنر بی‌شک شعر است. هنری که شوربختانه در همه این سال‌ها غرب‌ترین هنر ماست. شعر در وزارت ارشاد بوده است. چه اشکال دارد برای داستان‌نویسی نیز ساختار بهتری ایجاد شود. عرفانپور در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که «دکتر پرویز فرموده‌اند انسان‌ها کار را پیش می‌برند، نه ساختارها و تعبیه یک ساختار مستقل برای شعر بی‌فایده است. مطلب کلام‌درستی است، اما ما همین توجهی می‌شود همه ساختارهای مؤثر و ضروری را تعطیل کرد و از میان برداشت. اینچنین تصمیمی منطقی است؟ انسان‌های خودساخته و خلاق و جریان‌ساز در صورتی می‌توانند فرهنگ را پیش ببرند که حمایت‌ها و ریل‌گذاری‌های اصلی را سازمان‌های جایگ و هوشمند، تمثیت کنند. اگر اصولاً ساختار‌ها مانع پیشرفت هنر و ادبیات هستند، لطفاً همه

## غربت شعر در شلوغی بازار هنر

**تقویت جایگاه و شأن شعر و شاعری به لحاظ حقوقی دغدغه‌ای است که اغلب شاعران به آن اذعان دارند**

**اما اینکه این جایگاه از چه طریقی می‌تواند احصا شود، محل مباحثه است**

محمدصادق عابدی

یک ضرورت و اولویت در یک زمان با نتیجه مطلوبی روبه‌رو نشد، در آینده نیز دلسوزان از ترس ناکام ماندن، زبان در کام فروبرند و هیچ‌نگویند. حال آنکه ما هم واقفیم که گاه در عرصه‌اجرایی‌سازی یک مهم، محدودیت‌های خودساخته و برخورد‌های سطحی از سر رفع تکلیف، کار را از مدار مطلوب خارج خواهد کرد.

عرفانپور در ادامه آورده است: دیگر اینکه جناب آقای دکتر پرویز در تحلیلی که ارائه کرده‌اند، جایگاه شعر در ایران را هم‌تراز با دیگر هنرها به خصوص داستان دیده و اینگونه مطرح کرده‌اند: «یجاد تشکیلاتی برای حوزه شعر، منجر به طرح درخواست مشابه دست‌کم از سوی داستان‌نویسان خواهد شد.»

وی افزود: در پاسخ این شبهه، بنده کمترین لازم می‌دانم یادآور شوم که همه هنرها عزیزند و ارزشمند اما هنر اول ایرانیان از دیرباز شعر بوده و همچنان نیز شعر است. شما اگر موراث فرهنگ حوزه شعر را و شاعران بزرگ ایران زمین را از فرهنگ کنار بگذارید، آنچه برج‌ما می‌ماند چه مایه می‌ارزد؟ ضمن احترام و کرنش مقابل هنر مهم داستان‌نویسی، اگر وزن‌کشی کنیم، قدرت ایرانیان و ثروت ایرانیان در شعر و داستان اصلاً قابل مقایسه است؟! این شاعر کشورمان در ادامه نقلی از نظر رهبر معظم انقلاب درباره شعر می‌آورد: در خاطر دارم که رهبر معظم انقلاب

فرهنگ و ارشاد اسلامی، ساختار بر اساس نوع هنر پایه‌ریزی شده است، لذا هنر یک از هنرهای مرتبط دارای تشکیلاتی هستند، ولی در معاونت امور فرهنگی چنین نیست و کارها باید در ادارات و دفاتر موجود به سرانجام برسند. اگر قرار باشد دفاتر یا اداره‌های تخصصی، بخش‌های مختلف را به سامان برسانند، لازم است «دفتر یا اداره شعر، اداره داستان، اداره حکمت و اندیشه و فلسفه، اداره تاریخ، اداره نکوداشت

مفاخر فرهنگی و نظایر آن» را بناداری شوند. مشکل اصلی، تشکیلات نیست. تشکیلات کار نمی‌کند. آدم‌ها کار می‌کنند. آنجایی که تشکیلاتی هست، اما انگیزه و مدیر توانمندی نیست. کاری انجام نمی‌شود و برعکس.

**عرفان پور: شعر، بین اهل فرهنگ هم غریب است!**

اما میلاد عرفانپور به این یادداشت واکنش نشان داد و نوشت آقای دکتر پرویز محور مطالب‌شان را بر این مطلب استوار کرده‌اند که تلاش برای احیای جایگاه شعر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همانطور که در سال ۱۳۸۹ به تصمیم عجولانه و ناخفته‌ای منتج شد، در این برهه نیز به دلیل احتمال تکرار آن وضعیت، کاری و عیب و بی‌منطق است. اصولاً این مقایسه به ذهن اکثر کسانی که در این مدت به ساختار ویژه شعر فکر کرده‌اند رسیده اما از حیث منطقی محل اشکال است، چون دلیل نمی‌شود! اگر مطالبه

موضوع استقبال کردند و وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ

و ارشاد نیز تاکیدشان بر حل مشکل بود. این موضوع، مهم‌ترین نکته جلسه شب شعر بود.»

به گفته مؤدب در ادامه رئیس‌جمهور در بخشی از سخنان خود به درخواست‌های مطرح‌شده از سوی شاعران برای ایجاد جایگاه حقوقی به منظور حمایت از شعر و شاعران گفته بود: هیچ هنر دیگری همچون شعر ظرفیت تعالی بخشی و انتقال مفاهیم و ارزش‌های اصیل اسلامی را ندارد، لذا به سهم خود از ایجاد جایگاهی برای حمایت از شعر و شاعران استقبال و پشتیبانی می‌کنم.

هر چند شاعران از این پیشنهاد استقبال کردند اما چندی بعد این درخواست با واکنش غیرمنتظره محسن پرویز، رئیس انجمن قلم ایران مواجه شد. وی در این یادداشت عنوان کرده است راه‌حل تقویت شعر و حمایت از این قشر ایجاد یک تشکیلات تازه نیست!

پرویز در یادداشتی با عنوان «تاریخ تکرار می‌شود، متأسفانه» نوشت: نه تنها شعر که ادبیات داستانی هم فاقد یک تشکیلات مستقل در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. داستان (به عنوان مادر ادبیات‌نمایشی و سینما) هیچ گونه تشکیلاتی در وزارت‌تخانه ندارد. ایجاد تشکیلاتی برای حوزه شعر، منجر به طرح درخواست مشابه دست‌کم از سوی داستان‌نویسان خواهد شد. در معاونت هنری وزارت

**اگر بخواهیم یک هنر را به**

**عنوان هنر اول کشور بشناسیم، قطعاً شعر در این رتبه جای می‌گیرد اما جایگاه این هنر در ساختار دستگاه‌های فرهنگی چندان مناسب نیست.**

شاعران با اینکه پس از انقلاب اسلامی بیش از هر قشری از میان هنرها در خدمت انقلاب و مردم بودند اما آنچنان که باید قدر ندیدند و نتیجه کارشان مورد توجه قرار نگرفت. شعر از دیرباز هنری مورد توجه در ایران بوده است اما چرا مسئولان فرهنگی ما نتوانستند یا نتوانستند شاینتی آن را حفظ کنند. چندی پیش در جلسه‌ای که شاعران با رئیس‌جمهور کشورمان داشتند، میلاد عرفانپور، شاعر کشورمان از سیدار اهیم رئیس درخواست کرد به لحاظ حقوقی از این هنر حمایت بهتری صورت بگیرد.

علی‌محمد مؤدب، شاعر و مدیر مؤسسه شهرستان ادب درباره دیدار رئیس‌جمهور با اهالی شعر و ادب به مناسبت عید غدیر خم گفته بود: «میلاد عرفان‌پور در خصوص جایگاه شعر بحثی را مطرح کرد که در آن به نداشتن جایگاه شعر در وزارت فرهنگ و ارشاد و نگاه همیشگی حداقلی به شعر پرداخته شد. مطالعه جدی همه شاعران است که هنر اول این سرزمین در ساختار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جایگاه رسمی برایش تعریف شود. آقای رئیس‌ای از این